

تحلیل حقوقی :

بررسی تحولات تقنینی در جرم‌انگاری جاسوسی و همکاری با دولت‌های متخاصم

(پاسخ سخت قانون به همکاری با دشمن)

نویسنده:

محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات،

دانشگاه آزاد اسلامی ، دبی، امارات

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه)

۱۴۰۵/۰۱/۲۷

در شرایط حاکم بر جامعه در دوران پس از جنگ دوازده روزه یعنی خرداد و تیرماه ۱۴۰۴، دستگاه قانون‌گذاری متوجه تهدیدهای امنیتی بالقوه‌ای در داخل کشور شد، این تهدیدات به حدی بود که می‌توانست منجر به نتایج و رخداد‌های بسیار ناگواری باشد، البته که برخی از این نتایج از جمله، ترور فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان برجسته در سطحی کلان رخ داد و در ادامه نیز برخی از زیرساخت‌های هسته‌ای، اماکن نظامی و تجهیزات دفاعی تخریب شد. آنچه در ابتدای امر و در بررسی‌های نخستین به دست آمد مبتنی بر این شواهد بود که تحقق این اعمال جز با همکاری عناصر داخلی و وطن‌فروش امکان‌پذیر نیست. مسلماً نفوذ اطلاعاتی دشمن و آگاهی از محل سکونت اهداف انسانی و غیر انسانی، موجب این حوادث شده بود. بلافاصله بعد از این اتفاقات بود که مقنن، در مقام تشخیص موقعیت و وضعیت حادثه برآمد و بر مبنای اصول کیفرگذاری و جرم‌انگاری، با مسامحه‌ی صفر و افزایش ریسک ارتکاب جرم با این پدیده به مقابله پرداخت در نظریات جرم‌شناسی ملاحظه می‌شود که هنگام مواجهه با حالت خطرناک مجرمانه، بخصوص در جرایم علیه امنیت و جرایم سازمان یافته، نیاز به برخورد قاطع و افزایش هزینه‌های جرم وجود دارد. در همین راستا طرح «تشدید مجازات جاسوسان و همکاری‌کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» در مجلس شورای اسلامی مطرح شد. مبتنی بر این طرح، مقرر بود با وضع کیفرهای متناسب و بازدارنده از هر گونه جاسوسی، همکاری با کشورهای متخاصم و دیگر اشکال فعالیت علیه امنیت ایران، مقابله شده و برخوردهای صورت گرفته تحت حاکمیت قانون، تنظیم شود. بنابراین اگر در حال حاضر از زبان مقامات قضائی و دیگر مسئولان حاکمیت و رسانه‌ها سخن از مجازات مصادره اموال و اعدام جاسوسان و وطن‌فروشان می‌شود، این سخنان با اتکای بر قانون بوده و اظهار نظری هیجانی، ژورنالیستی و فاقد پشتوانه‌ی تقنینی محسوب نمی‌شود.

در ماده‌ی ۱ این قانون دو عنوان اصلی مجرمانه پیش‌بینی شده است:

۱- اقدام عملیاتی برای رژیم صهیونیستی یا دولت‌های متخاصم از جمله دولت ایالات متحده آمریکا یا سایر رژیم‌ها و گروه‌های متخاصم یا برای هر یک از عوامل وابسته به آنها بر خلاف امنیت کشور؛ منظور از اقدام عملیاتی که در تبصره ۳ توضیح داده شده است عبارتند از: اقداماتی است که بتواند امنیت کشور را به خطر اندازد از جمله اقداماتی با قابلیت کشتار، تخریب اماکن یا اموال عمومی یا خصوصی، ایجاد رعب و وحشت عمومی، اختلال در شبکه‌های ارتباطی، سامانه‌های اطلاعاتی یا زیر ساخت‌های کشور به عنوان مثال هرگونه آتش زدن بانک‌ها که جزئی از اموال عمومی محسوب می‌شود، با توجه به اینکه سبب به خطر افتادن امنیت کشور می‌گردد، در صورتی که اثبات گردد این اقدام برای رژیم صهیونیستی و آمریکا یا دیگر گروه‌های متخاصم انجام شده است، مشمول این عنوان مجرمانه قرار می‌گیرد. همچنین اگر اقدامات صورت گرفته برای گروه‌های وابسته به آنها باشد نیز می‌تواند مشمول این اقدام تلقی گردد. با توجه به اینکه این عنوان مجرمانه در مقام مباشرت انجام و تحقق می‌پذیرد، قانون‌گذار مجازات اشد اعدام و مصادره‌ی کلیه‌ی اموال را به عنوان کیفر آن مقرر کرده است. با توجه به آثار بسیار خسارت‌باری که این اعمال مجرمانه در جامعه بر جای می‌گذارند و ممکن است موجودیت ایران و جان ایرانیان را در مخاطره اندازد، قانون‌گذار مبتنی بر اصول تناسب جرم و مجازات اقدام نموده است و قصد جدی برای حمایت از امنیت و منافع ملی را داشته است.

۲- هرگونه فعالیت اطلاعاتی یا جاسوسی برای رژیم‌ها، دولت‌ها و گروه‌های مذکور یا هر یک از عوامل وابسته به آنها مقصود از این فعالیت‌ها هرگونه جمع‌آوری اطلاعاتی است که بتواند امنیت کشور را به خطر اندازد. این عنوان مجرمانه که به نظر می‌رسد از حیث شدت مجازات و حالت خطرناک مجرمیت، در مرتبه‌ای پایین‌تر از عنوان سابق قرار دارد، با کیفر صادره‌ی کلیه‌ی اموال، جرم‌انگاری شده است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار فعالیت اطلاعاتی و جاسوسی را در این وضعیت، در مقام معاونت در تحقق جرایم علیه امنیت قرار داده است و با عنایت به اینکه برخی و شاید اکثر افرادی که دست به ارتکاب این اعمال مجرمانه می‌زنند، یا ساکن در سایر کشورها هستند و یا امکان فرار برای آن‌ها وجود دارد، مقنن مجازات صادره‌ی اموال را برای آنان در نظر گرفته است که میتواند کیفری متناسب، بازدارنده و البته قابل اجرا محسوب شود. از سوی دیگر قانون‌گذار رعایت قسمت اخیر تبصره ۵ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی را نسبت به اموال صادره شده ضروری دانسته است و اشعار می‌دارد: هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شده است. این رویکرد نشان از راهبرد حمایتی قانون‌گذار از اعضای جامعه است، حتی زمانی که مرتکب رفتارهایی علیه امنیت می‌شوند.

شرایط و اوضاع و احوالی که حاکم بر تحقق این شرایط است حتی وابسته به دروان جنگ نیست و در هر دوره‌ای ارتکاب این رفتارها، موجب تحقق عنوان مجرمانه می‌شود. تنها شرط در نظر گرفته شده برای این رفتارهای مجرمانه آن است که برای دولت‌های متخاصم باشد، در تبصره ۲ این ماده رژیم صهیونیستی و آمریکا به صراحت قانون دول متخاصم شناخته شده‌اند و شورای عالی امنیت ملی در خصوص سایر گروه‌ها و دول متخاصم صلاحیت اظهار نظر دارد. از این رو هرگونه ارسال اطلاعات امنیتی به رسانه‌های خارجی مانند اینترنت‌نشال یا مستقیم برای سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای متخاصم که به نظر می‌رسد بیشترین فراوانی ارتکاب این جرم را به خود اختصاص می‌دهد، می‌تواند مشمول این عنوان مجرمانه و تعیین مجازات قانونی باشد.

با توجه به اینکه این جرایم مقید نمی‌باشند، فلذا وقوع نتیجه‌ی خاصی شرط تحقق عنوان مجرمانه نیست، در واقع اگر اقدام عملیاتی قابلیت و پتانسیل برخی از نتایج را داشته باشد و فعالیت اطلاعاتی اگر در راستای اهداف متخاصمین باشد، جرم محقق شده است، اینکه قانون‌گذار رعایت ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی را ضروری دانسته است، به جهت احراز قصد و سوءنیت مرتکبین است. به عنوان مثال اگر کسی، اطلاعات نظامی را به رسانه‌های خارجی ارسال نماید ولی آگاه به امنیتی بودن این اطلاعات نباشد، او جاهل به موضوع جرم بوده و راجع به او جرم عمدی محسوب نشده و مشمول این عنوان مجرمانه قرار نمی‌گیرد در واقع قانون‌گذار در اندیشه‌ی مقابله با افرادی است که آگاهانه و با قصد و اراده به ارتکاب رفتارهای مجرمانه اقدام می‌نمایند.

در ماده‌ی ۲ از این قانون، مقنن تلاش کرده است رفتارهایی را که موجب تقویت، تحکیم یا مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی می‌شود را جرم‌انگاری نماید، این ماده خاص، تضعیف و جلوگیری از نفوذ و قدرت‌یابی این رژیم پیش‌بینی شده است. در این ماده اقدامات امنیتی، نظامی، اقتصادی، مالی، فناورانه و یا هرگونه مساعدت مستقیم و غیر مستقیم، به عنوان رفتارمادی در نظر گرفته شده است. البته تحقق جرم منوط به وقوع نتیجه یعنی تقویت و تحکیم و مشروعیت بخشی به رژیم دانسته شده است، این عنوان مجرمانه نیز به جهت اثراتی که بر جامعه از جهت نفوذ و اقدامات خرابکارانه‌ی رژیم صهیونیستی دارد مستوجب کیفر اعدام و صادره‌ی کلیه‌ی اموال دانسته شده است. در صورتی که نتایج مذکور واقع نشود،

قانون گذار این جرم را تعزیری دانسته و مجازات حبس و از درجه ۲ تا ۴ را برای مرتکب تعیین کرده است. به عنوان مثال اگر شخصی مبادلات اقتصادی با جاسوسان و نفوذی‌های صهیونیستی در داخل کشور انجام دهد، این مبادلات اگر منجر به تقویت و تحکیم این رژیم گردد، مجازات اشد و در غیر اینصورت حداقل مجازات آن حبس درجه‌ی ۴ خواهد بود. بنابراین هرگونه فعالیت عادی و ارتباط اقتصادی، فناورانه، امنیتی و از این قبیل با رژیم صهیونیستی تحت حاکمیت قانون، جرم محسوب می‌شود. در واقع این قانون سعی در تحریم کامل رژیم از هرگونه امکانات و مساعدتی در داخل داشته است.

در ماده‌ی ۳ این قانون، مقنن تلاش کرده است هرگونه اقدام نفوذی در راستای همکاری با رژیم صهیونیستی و دول متخاصم را با کیفر مصادره‌ی کلیه‌ی اموال و اعدام، جرم دانسته است: این عناوین مجرمانه عبارتند از:

۱- همکاری در ساخت، وارد کردن انواع سلاح و هرگونه فعلی که به عنوان زنجیره‌ی ساخت و استفاده از آن‌ها باشد. بنابراین اگر شخصی حتی سوخت لازم برای سلاحی که قابلیت کشتار و یا تخریب را دارد فراهم نماید و یا این سلاح را با اتومبیل خود حمل کند، مشمول این عنوان مجرمانه قرار خواهد گرفت.

۲- ساختن یا دیگر اقدامات موثر در ساخت و استفاده از ریز پرنده‌ها و اشیای مشابه آنان که می‌تواند کاربرد مخربی داشته باشد. بنابراین اگر شخصی اقدام به اجاره‌ی انبار یا کارگاه برای ساخت این اشیاء نماید، مشمول این عنوان مجرمانه قرار خواهد گرفت.

۳- در مصداق سوم از این گروه جرایم، اقدامات سایبری در تمام مصادیق خود در صورتی که موجب اختلال در شبکه‌های زیرساختی و حیاتی باشد، می‌تواند مشمول این عناوین مجرمانه قرار گیرد.

۴- این ماده قانونی در تبصره ۱، افرادی را که جهت انجام رفتارهای پیش گفته، اقدام به دریافت مبالغی از جاسوسان نمایند و حتی اگر نتوانند اقدامات خرابکارانه را انجام دهند، باز هم به مجازات‌های ذکر شده محکوم خواهند شد مگر اینکه با اراده‌ی خود منصرف شوند که در این حالت میز به حداقل مجازات حب تعزیری درجه ۴ محکوم خواهند شد.

باید دقت داشت که این رفتارهای مجرمانه از آن جهت مورد تاکید و کیفرگذاری حداکثری قانون گذار قرار گرفته است که به قصد همکاری، تقویت، تحکیم و یا مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی یا دولت‌های متخاصم یا سایر رژیم‌ها و گروه‌های متخاصم انجام شده باشد و در غیر اینصورت این تشدید مجازات‌ها شامل آن‌ها نخواهد شد.

در مواد ۴ از این قانون به جرایم با مجازات کمتری اشاره شده است و جرایم تعزیری مورد اشاره قرار گرفته است که به نوعی فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی با درجه‌ی خطرناک کمتری را شامل می‌شود، مصداق بارز این رفتارهای مجرمانه در شرایط حاضر، ارسال تصاویر از محل‌های اصابت و گزارش تخریب‌ها و شهدا برای اشخاص عادی یا رسانه‌های خارجی می‌باشد. حبس درجه سه و انفصال دائم از خدمات دولتی از جمله‌ی این مجازات‌ها می‌باشد. ماده ۵ راجع است به استفاده از ابزارهای الکترونیکی بخصوص استارلینک حتی برای مصاف شخصی می‌باشد. در صورتی که این استفاده برای مصارف جاسوسی باشد مستوجب اعدام دانسته شده است.

رویکرد تشدید قانون‌گذار در این قبیل از جرائم به این شکل است که در ماده ۶، ارتکاب جرایم تعزیری را در زمان جنگ یا وضعیت‌های امنیتی، نظامی به تشخیص و اعلام شورای عالی امنیت ملی، مجازات مرتکب تا سه درجه تشدید می‌گردد. بنابراین راجع به حبس درجه امکان تحقق تا درجه ۱ نیز وجود دارد.

چنانچه در جرایم و اخبار گفته می‌شود، برخی از این مجازات‌ها به فوریت اجرا می‌گردد که ممکن است شائبه‌ی عدم انجام فرآیند دادرسی کیفری را مطرح نماید. این در حالی است که در قانون یاد شده راجع به مقررات شکلی رسیدگی نیز به جهت فوریت امر، تعیین تکلیف شده است. چنانکه در ماده ۷ بیان شده است به جرائم موضوع این قانون در تمام مراحل دادرسی خارج از نوبت و در شعب ویژه دادگاه انقلاب که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند، رسیدگی می‌شود. همچنین مواعد قانونی برای اعتراض، پاسخ به اتهام و ... بیش از ده روز نخواهد بود. از سوی دیگر محاکم و دادگاه‌های رسیدگی کننده می‌توانند نقص تحقیقات را خود تکمیل کنند و نیازی به ارجاع مجدد پرونده به دادسرا وجود نخواهد داشت. صدور قرار بازداشت توسط مقام تحقیق و قاضی رسیدگی کننده مبتنی بر بند ۳ از ماده ۸ این قانون بوده و مجاز دانسته شده است.

به نظر می‌رسد در کنار مجازات‌های اصلی که در بدان‌ها اشاره شد لازم است مجازات‌های تکمیلی و تبعی نیز مورد توجه قرار گیرد که به نظر می‌رسد سلب تابعیت، در این ارتباط از اهمیت بالایی برخوردار باشد. اصل ۴۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتیکه به تابعیت کشور دیگری درآید.» بنابراین اعمال این مجازات صرفاً برای اشخاصی امکان پذیر است که دارای تابعیت مضاعف بوده باشند، همچنین ماده ۹۸۱ قانون مدنی که در اصلاحات سال ۱۳۷۰ حذف گردید، در ارتباط با اشخاصی که تابعیت ایرانی را کسب کرده‌اند در شرایطی امکان سلب تابعیت را فراهم ساخته است: این ماده بیان می‌کند: اگر در ظرف مدت پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران نسبت به جرم یا مجازات مرور زمان حاصل می‌شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جنحه یا جنایت عمومی است هیئت وزرا حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد. بنابراین امکان سلب تابعیت از اشخاص دوتابعیتی در حال حاضر امکان‌پذیر است. هرچند در برخی از مطالب و یادداشت‌ها در واکنش به خیانت به کشور و اقدامات خرابکارانه و وطن‌فروشی، درخواست سلب تابعیت از این افراد شده است ولی باید گفت این موضوع محمل قانونی ندارد.

البته که قانون اساسی برای این موضوع مجوزی قرار داده است و سلب تابعیت را منحصر به کسانی دانسته است که دارای تابعیت اکتسابی هستند. در جرایم علیه امنیت، شاید بتوان گفت تبعید، به عنوان مجازاتی در معنای سلب تابعیت می‌تواند مدنظر قضات قرار گیرد چرا که در فقه اسلامی این قبیل مجازات برای برهم زدن امنیت عمومی پیش بینی شده است. در گذشته تبعید به معنای نفی بلد، محرومیت شخص از حقوق خود در قبیله و محل تولد خود محسوب می‌شد. به گونه‌ای که نوعی مرگ تدریجی برای او ایجاد می‌کرد چرا که نه از حمایت خویشاوندان و قبیله‌اش برخوردار بود و نه امکان ارتباط با سایرین برای او میسر بود.

علاوه بر این قانون خاص و پراستناد که در این روزها عموماً مورد توجه قضات و دستگاه قضائی برای صدور آرای قضائی قرار می‌گیرد، قانون مجازات اسلامی در کتاب تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ از مواد ۴۹۸ به بعد به جرایم تعزیری این حوزه پرداخته است که یکی از عوامل مشدده در آن ارتکاب جرم در زمان جنگ است؛ چنانکه ماده ۵۰۹ اشعار داشته است: هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می‌گردد.

چگونگی اجرای مجازات‌ها نیز در حال حاضر با بهره‌گیری از ابزارهای فناوری جدید در شناسایی اموال محکومین سهل‌تر است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های سامانه هوشمند استعلامات مالی «سهام»، امکان شناسایی و توقیف سریع و برخط دارایی‌های عناصر مرتکبین این جرایم را فراهم ساخته است. در واقع تمامی فرآیند دادرسی و رسیدگی به اتهامات مبتنی بر قانون بوده، حاکمیت قانون به صورت کامل برقرار است و هیچ محاکمه و مجازاتی تحت تاثیر فشار افکار عمومی، یا مصلحت‌های سیاسی بدون در نظر گرفتن اصل قانونی بودن جرم و مجازات اتفاق نمی‌افتد. حاکمیت اسلامی که مبتنی بر عدالت و شرع مقدس بنا شده است، برای این موقعیت از سوی نمایندگان مردم، پیش‌بینی برخورد قضاوی متناسب و بازدارنده را داشته است تا بتواند با اعمال کیفرهای متناسب و البته بازدارنده، امنیت داخلی و منافع ملی را تضمین کند. البته که به جهت اهمیت این جرایم امکان اعمال برخی تخفیفات راجع به آن‌ها به استناد کلیات قانون مجازات اسلامی ممنوع است؛ برای نمونه مطابق بند الف ماده ۴۷ مجازات کلیه جرایم علیه امنیت قابل تعویق یا تعلیق نیست. همچنین مطابق ماده ۷۱ اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در جرایم علیه امنیت ممنوع است. مسلم است که سایر موارد در خصوص رافت اسلامی، عفو عمومی، توبه و دیگر سازوکارهای نظام اسلامی جهت بخشش و بازگشت مجرم به جامعه مبتنی بر اصول و قوانین کلی حقوق کیفری شکلی و ماهوی پابرجاست چرا که در این قانون به عدم اجرای آن‌ها تصریح نشده است.



Legal analysis :

**A study of legislative developments in the
criminalization of espionage and collaboration
with hostile states**

(The law's harsh response to collaboration with the enemy)

The writer :

Mahmoud Rashnavaz

**Doctoral student of International Law, Emirates
Branch, Islamic Azad University, Dubai ,UAE**

**member of the center of lawyers, official experts
consultants of the judiciary and**

۲۰۲۶/۰۴/۱۶